

راهبردها و تاکتیک‌های تبلیغ در نهضت امام حسین علیه السلام

حسین کوهستانی

عضو حلقه علمی بلاغ (برادران)

دانش‌پژوه دوره عالی تبلیغ و تربیت اسلامی گرایش خطابه و مناظره

چکیده: امروزه دشمنان اسلام، برای رسیدن به مقاصد خود همچون گذشته، از قوی‌ترین تشکیلات تبلیغی بهره می‌گیرند. برای مقابله با هجمه‌های سنگین تبلیغاتی دشمن، بزرگ‌مردانی از جبهه حق نیز همواره به دنبال ایجاد تشکیلاتی منسجم و قوی بوده‌اند تا با انتخاب بهترین روش‌ها در تبلیغ احکام و معارف عالییه اسلام، عرصه را بر دشمنان تنگ نمایند.

نگارنده به بخش مهم و ارزشمند پروژه تبلیغی عاشورا، یعنی راهبردهای تبلیغی آن از قبیل: روش‌نگری، دین‌مداری، حق‌گرایی، تکلیف‌محوری و... و «تاکتیک‌های تبلیغی» از قبیل هجرت، همراهی اهل بیت علیهم السلام، وصیت، قدرشناسی، اتمام حجت، شهادت‌طلبی، انتصار و... می‌پردازد.

کلیدواژه‌گان: امام حسین علیه السلام، راهبرد، تاکتیک، تبلیغ، نهضت عاشورا.

مقدمه

تبلیغات نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی فکری جامعه بشری برعهده دارند. به گونه‌ای که سیاست نیز غالباً تابع تبلیغات شده است. از این‌رو دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار هم از چنین نیروی مؤثری غافل نبوده‌اند، و همواره درصدد این هستند که با سوء استفاده از این قابلیت، به خیانت‌های بزرگ و جنایت‌های بی‌سابقه خود لباس

خدمت بی‌پوشند و با تبلیغات وارونه و نابکارانه زمینه را برای جنگ و نبرد با حق طلبان در افکار عمومی فراهم نمایند.

بنابراین شناخت شیوه‌های تبلیغ و به کارگیری ابزارهای لازم، برای دست‌اندرکاران امر تبلیغ به ویژه مبلغان دینی با توجه به نقش و جایگاهشان در اسلام^۱، امری اجتناب‌ناپذیر است. در صورتی که متولیان این امر مهم از تخصص لازم و کافی برخوردار نباشند و استراتژی صحیحی را در این باره برنگزینند، بی‌شک در امر تبلیغ راه به جایی نخواهند برد. تبلیغ و ارشاد موفق و مؤثر، هیچ‌گاه از استراتژی و تاکتیک‌های تبلیغی مناسب و به موقع بی‌نیاز نیست. اگر این شیوه‌ها را از گفتار و رفتار اهل بیت و اولیای الهی (ع) برگیریم به مراتب مؤثرتر و ارزشمندتر و ماندگارتر خواهد بود. از این رو توجه به زندگی امام (ع) خصوصاً از مدینه تا شهادت برای همگان مفید و آموزنده است. از این طریق می‌توان، چهره درخشان امام (ع) را مشاهده نمایند و خطوط ارزشمندی هم‌چون: روشنگری، تکلیف محوری، ظلم ستیزی، صبر و شکیبایی، فداکاری و ایثار، حق‌گرایی، دین‌مداری و... را - که بیان‌گر بنیان روحی ایشان و روش برگزیده حضرت (ع) در جریان نهضت الهی عاشورا می‌باشد، - دید و با آمادگی هرچه بیشتر و برنامه‌ریزی گسترده‌تر به سازندگی خود و دیگران پرداخت و در ترویج فرهنگ تبلیغی امام (ع) نیز کوشا بود.

راهبردهای تبلیغی امام حسین (ع)

از تاریخ مبارزات انبیاء و اولیای الهی تا به امروز نقش بسزایی در هدایت انسان‌ها داشته است. نظرگاه^۲ ایشان در عرصه اصلاح جوامع بشری، احیای احکام و حدود الهی در جهت تحقق اهداف حضرت باری تعالی است. نهضت آن امام (ع) به تأسی از انبیاء بزرگ الهی بر دو عنصر عمده و اساسی استوار است که عبارتند از:

۱. راهبردهای امام (ع) در مسیر نهضت. «از مدینه تا شهادت»
 ۲. روش‌ها و تاکتیک‌های مورد توجه امام (ع) در راه رسیدن به هدف
- با توجه به عظمت و اهمیت بُعد تبلیغی عاشورا، در این نوشتار درصدد آنیم که

۱. از منظر قرآن کریم و احادیث اسلامی، مبلغان دین ادامه‌دهندگان راه انبیاء الهی به شمار می‌روند. شوری/۴۸.

۲. اندیشه، نظریه، فکر؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۵۴۴.

فقط «استراتژی این حرکت تبلیغی امام علیه السلام» را مورد بررسی قرار دهیم. لازم به ذکر است آنچه در این مرحله تحت عنوان «استراتژی» به آن پرداخته می‌شود، عناصر و مؤلفه‌های ارزشمند و سازنده‌ای هستند که «تفکر راهبردی» و جهت‌گیری‌های عمده نهضت امام حسین علیه السلام را معین کرده و سلامت بلندمدت بلکه همیشگی این حرکت تاریخی را ضمانت می‌کند؛

راهبرد یا استراتژی در لغت یعنی «سیاستگذاری^۱» و در اصطلاح به معنای: «آمادگی و برنامه‌ریزی بلندمدت و گسترده است^۲»، «دانش یا فن بهره‌گیری از امکان‌های سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی برای تأمین بیشترین حمایت از سیاست پیش‌بینی شده^۳»، «برنامه‌ریزی و سیاستی که برای رسیدن به هدفی برگزیده می‌شود^۴». «تبلیغ»^۵ از ریشه «بلغ» به معنای رساندن کامل پیام، خبر، اندیشه و سخن به دیگری است و «مُبلِّغ»، کسی است که با همه توان، تلاش می‌کند تا مواد تبلیغی همراه خود را به مخاطب منتقل کند.

۱. روشنگری و ارتقای سطح شناخت

پس از عروج پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله گروهی در سقینه بنی‌ساعده گردهم آمدند و حاکمیت و فرمانروایی جهان اسلام را در دست گرفتند و با تهدید، تطمیع و ارباب عموم مردم را همراه خود کردند. آنها جامعه‌ای را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با عنایت الهی، تلاش خود و همراهی یارانی چون علی علیه السلام توانسته بود از فرهنگ بدوی و ارزشهای جاهلی نجات دهد و فرهنگ ناب الهی و ارزش‌های معنوی را حاکم کند و در پرتو آن، بیابان‌گردان گردنگش را به شب زنده‌داران فروتن و مجاهدان دین و میهن تبدیل نماید؛ با تکیه بر بیعت و رأی اجباری دوباره به سوی جاهلیت کشاندند و آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران باوفایش طی ۲۳ سال رنج و مشقت به ارمغان آورده بودند در سایه ارزش‌های جاهلی و فرهنگ بدوی مهجور کردند و مردم را نسبت به ارزش‌های

۱. غلامحسین صدری افشار، نسرین و نسترن حکمی، فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی، ص ۹۵.

۲. دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۱۲۲.

۳. فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی، ص ۹۵.

۴. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱.

۵. بلوغ و بلاغ به معنای رسیدن به دورترین و پایانی‌ترین نقطه مقصد است، مکانی باشد یا زمانی و یا یکی از اموری که دارای نهایت و پایان است و گاه از آن برای بیان نزدیک شدن به هدف نیز استفاده می‌شود، گرچه به آن نرسند. راغب اصفهانی، مفردات راغب، مفردات الفاظ قرآن کریم، تحقیق صفوان عدنان، ص ۱۴۴.

الهی و نبوی در هاله‌ای از تحیر و سرگردانی قرار دادند.

امام حسین علیه السلام ریشه بسیاری از مصیبت‌های وارده بر جهان اسلام را در سکوت خواص و چهره‌های نامدار و خوش‌نام جهان اسلام و غفلت و به خواب رفتگی عوام می‌دانست. بر این اساس، اصل روشنگری را به عنوان شیوه‌ای مؤثر در رهانیدن مردم از تحیر و سرگردانی و جهل و ظلمت، سرلوحه تمام فعالیت‌های خود قرار داد. امام حسین علیه السلام هم‌پای تلاش راهبردی خویش در جهت متحول ساختن بزرگان اسلام که نقش راهبری عمومی را به عهده داشتند، مردم غافل و به خواب رفته را از نظر دور نداشت لذا در فرصت‌های مختلف و با شیوه‌های متنوع گفتاری و نوشتاری و... به بیداری عموم مردم پرداخت و درصدد ایجاد تحول و دگرگونی در حیاتشان بود. این شیوه از بدو حرکت تا آخرین لحظات حیات امام علیه السلام و در ساعات پایانی روز عاشورا ادامه داشت.

ایشان خطاب به خواص چنین می‌فرماید: «لوصبرتم علی الاذی و تحملت المئونه فی ذات الله کانت امور الله علیکم ترد و عنکم تصدر و الیکم ترجع...»^۱
 «اگر بر آزار شکیبا بودید و در راه خدا تحمل به خرج می‌دادید امور خدا با شما، به دست شما درمی‌آمد و احکام او از جانب شما صادر می‌شد و مرجع همگان قرار می‌گرفتید...».

عامه مردم را نیز این گونه مخاطب قرار می‌دهد: «انما ادعوکم الی سبیل الرشاد فمن اطاعنی کان من المرشدین و من عصانی کان من المهلکین»^۲؛ «من شما را به راه رشد فرامی‌خوانم، پس هر که مرا پیروی کند از هدایت‌شدگان و هر که سرپیچیم کند از هلاکت‌شوندگان است.»

۲. دین‌مداری در جهت حفظ اصل دین

امام حسین علیه السلام برای کنارزدن همه آداب و سنن جاهلی و انزوای دائمی ضد ارزش‌ها و باورهای شیطانی و کوتاه‌کردن دست غاصبان و حاکمان هواپرست و زندماندن روح تقوا و انسانیت و ارزش‌های انسانی و الهی در سطح اجتماع، تنها یک راه را روشن می‌دیدند و آن پاسداری از اصالت دین بود. با بررسی سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت پاک و مطهرش به خویی درمی‌یابیم که در پیش گرفتن هر نوع استراتژی در هر

۱. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۳۸.

۲. علی مؤیدی، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۷۲.

عصری اعم از جنگ و یا صلح، فریاد یا سکوت، قیام یا قعود، تنها برای حفظ اصالت دین بوده است.

با بنیان گرفتن دین مبین اسلام توسط رسول گرامی ﷺ؛ حضرت امیر ﷺ و فرزند برومندش امام حسن مجتبی ﷺ با اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ نیروهای کارآمد و ترویج صحیح دین و تقویت پاسداران مرز اندیشه، علاوه بر حفظ و تداوم اصل دین، مانع تهاجمات دشمنان خارجی از بیرون و حاکمیت مطلق معاویه و سردمداران بنی‌امیه از درون شدند. امام حسین ﷺ نیز این استراتژی را در شرایطی که غفلت در جامعه همه‌گیر شده بود و وجدان آگاهی وجود نداشت ادامه داد و فداشدن برای حفظ اساس دین را تنها راه باقی‌مانده می‌دید.

ایشان در این زمینه چنین می‌فرماید:

«ان کان دین محمد لم یستقم إلا بقتلی فیا سیوف خذینی»^۱.

«اگر دین رسول خدا جز با کشته شدن من تداوم نمی‌یابد، پس ای شمشیرها مرا دریابید».

«اللهم انک تعلم إنه لم یکن ما کان منا تنافساً فی سلطان و لا ألتماساً من فضول الحطام ولكن لنری المعالم من دینک»^۲.

«بار پروردگارا! این حرکتی که کردیم، و قیامی که نمودیم تو می‌دانی برای قدرت‌طلبی نبوده و برای رسیدن به مال و منال هم نبوده بلکه برای این بوده است که پرچم‌های دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخص‌ها را به چشم آنها آوریم».

۳. حق‌گرایی

منطق امام ﷺ یک منطق قرآنی بود. تمام اقدامات امام ﷺ بر محور حق و حق پرستی و براساس مصلحت استوار بوده است. بر این اساس اتخاذ این رویه از ناحیه امام ﷺ سبب بقاء و جاودانگی اهداف آن حضرت گردید، هم‌چنان که قرآن کریم نیز چنین تضمینی را خاطر نشان فرموده است:

﴿... وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَمَا بَالُكَ فِي الْأَرْضِ ... ۳﴾

ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین می‌ماند.

۱. محمد دشتی، پیام‌های عاشورا، ص ۲۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار، ج ۱۰۰، ص ۸۰.

۳. رعد/۱۷.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود خداوند در این آیه از «حق» با تعبیر «آنچه برای انسان سودمند است» یاد می‌کند و در بخش دیگر آیه یعنی «فاما الزید...» از باطل به کف روی آب تعبیر می‌فرماید.

۱. امام علیه السلام بعد از ورود به سرزمین کربلاء خطبه‌ای ایراد می‌فرمایند که در بخشی از آن به برقراری حق در سایه چنین حرکت و قیامی اشاره شده است.
«... الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه...»^۱

«می‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری بعمل نمی‌آید.»

۲. در منزل‌گاه «قصر بنی مقاتل» حضرت علی اکبر بعد از خوابی که امام می‌بیند و کلمه استرجاع «إنا لله و انا اليه راجعون» را بر زبان می‌آورند از حضرت می‌پرسند: او لسنا علی الحق؟ مگر ما بر حق نیستیم؟

امام علیه السلام می‌فرمایند: آری، به خدا سوگند که ما جز در راه حق قدم بر نمی‌داریم!^۲

۴. تکلیف محوری

با توجه به این که دین اسلام آخرین دین آسمانی و عصاره همه شرایع الهی و مکمل آنهاست، حفاظت از آن بر عموم مسلمانان واجب می‌باشد. این تکلیف نیز به نوبه خود در مورد گزینش روش خاص برای حفظ اسلام نیز جاری است و اختصاص به ائمه علیهم السلام ندارد. اختصاص آن به امام علیه السلام به این دلیل که یک حادثه استثنایی و ناشی از یک دستور محرمانه الهی است که باید طبق آن امام، خود را به کشتن دهد و کسی نتواند از راز آن باخبر شود، و هیچ کس حتی امام معصوم دیگر نیز چنین وظیفه‌ای را ندارد، انحرافی بزرگ است که از برخی سرزده است.

امام علیه السلام با توجه به شرایط موجود زمان خویش و وجود یکسری عناصر و مؤلفه‌ها،^۳ بر خود واجب و لازم دانست که دست به چنین قیامی بزند. ایشان در بیانیه انقلابی

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

۲. همان، ص ۲۰۴.

۳. ۱) علم امام به حقانیت خویش برای امامت و خلافت با توجه به سخنان پدر، برادر و جد بزرگوارش

۲) آگاهی کامل امام از سرانجام قیام «شهادت» از طریق پیشگویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

۳) پی‌درپی آمدن نامه‌های دعوت کوفیان با امضای ۱۲ تا ۱۸ هزار نفر

۴) عدم اهلیت یزید و امثال او برای خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله که بنقل متواتر تاریخی شیعه و سنی فاسق و فاجر بود نه عادل بلکه اظهار کفر می‌کرد.

۵) انحرافات اساسی در نظام اسلامی و جایگزین شدن حکومت اشرافی و سلطنتی موروثی به جای خلافت بی‌پیرایه حضرت علی علیه السلام به عنوان بزرگترین منکر اجتماعی

خود در «منزل گاه بیضه» خطاب به شیعیان کوفه بر تکلیف‌محور بودن این قیام تأکید دارد و گوشزد می‌کند که دفاع از دین و مبارزه با دشمنان دین بر همگان تا پای شهادت واجب است.^۱

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی در این زمینه چنین می‌نویسد! امام حسین علیه السلام برای انجام یک واجب قیام کرد. این واجب در طول تاریخ متوجه یکایک مسلمان‌هاست. این واجب عبارتست از این که هر وقت دیدند، که نظام جامعه اسلامی دچار یک فساد بنیانی شده و بیم آنست، که به کلی احکام اسلامی تغییر پیدا کند، هر مسلمانی باید قیام کند. البته در شرایط مناسب، آن وقتی که بداند این قیام اثر خواهد بخشید... لذا امام حسین علیه السلام قیام کرد و عملاً این واجب را انجام داد تا درسی برای همگان باشد.^۲

لذا می‌بینیم که شالوده حرکت امام علیه السلام را عمل به تکلیف الهی شکل می‌دهد. تا برای همه حسینیان تاریخ الهام‌بخش باشد. در زندگی کردن با چنین رویکرد مقدسی دیگر شکست بی‌مفهوم خواهد بود زیرا هر عملی که برای خدا صورت گیرد خداوند جاودانگی آن را تضمین می‌نماید و از دستبرد زمان و حوادث روزگار مصون می‌دارد.

۵. دشمن‌شناسی و معرفی چهره واقعی دشمنان

بنی‌امیه و خاندان ابوسفیان نسبت به اسلام و پیامبر اعظم در دل کینه داشتند. به همین دلیل پس از به دست گرفتن حکومت اسلامی در صدد انتقام برآمدند و حکومت‌های قبیله‌ای و نژادی را تجدید کردند. معاویه با بهره‌گیری از قدرت دستگاه‌های وسیع تبلیغاتی خود توانسته بود رهبری افکار مسلمانان را در دست گیرد و این شجره خبیثه را به منبع الهام‌بخش اجتماع مسلمین در تمام شی‌ءون تبدیل کند. این نقشه‌های شیطانی همان‌گونه که در عصر معاویه اجراء می‌شد اگر در دوران حکومت یزید بی‌چون و چرا ادامه می‌یافت، بدون تردید چندی نمی‌گذشت که دیگر از اسلام و قرآن و حکومت نیرومند اسلامی اثری باقی نمی‌ماند.

در چنین شرایطی لازم بود که امام حسین علیه السلام وارد عرصه شود و با درپیش گرفتن سیاستی الهی عملاً ماهیت این خاندان ننگین و شجره خبیثه را به ملت اسلامی معرفی نماید و پایبندنبودن آنها را به هیچ اصلی از اصول اسلامی و انسانی بر ملا

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، امانتداران عاشورا و درس‌ها و عبرت‌های کربلا، ص ۴۴.

سازد. چنین رویکردی را به وضوح می‌توان در پیام‌های امام علیه السلام مشاهده نمود آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّا وَبْنِي أَمِيه تَعَادِينَا فِي اللَّهِ فَنَحْنُ وَ هِم كَذَلِك الی یوم القیامه»^۱.

«به درستی که ما و بنی‌امیه در راه خدا، در ستیز و جنگ هستیم و این نبرد ما با آنها تا روز قیامت ادامه دارد.»

از این‌رو امام حسین علیه السلام حکومت معاویه را به هیچ وجه تأیید نمی‌کند زیرا این را به خوبی می‌دانست که آنها ظاهراً و برای ترس از کشته شدن مسلمان شده‌اند؛ به فرمایش امام علی علیه السلام: «ما اسلموو لکن استسلموا»^۲.

«آنان مسلمان نشدند بلکه تسلیم مسلمانان شدند» حضرت سخنرانی‌های افشاگرانه و آتشینی در خصوص کارهای نامشروع معاویه انجام دادند و هم‌چنین به صورت جدی و سرسختانه در برابر عوامل مزدور حکومت معاویه جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده سیاسی - تبلیغی موضع‌گیری کردند. امام علیه السلام در فرازی دیگر چنین می‌فرماید: «بار پروردگارا! من امر معروف را دوست دارم و از منکر بیزارم، کدام منکر در جهان اسلام خطرناک‌تر و پلیدتر از این‌که فرد ناپاک و کثیفی مانند یزید در رأس حکومت اسلامی قرار بگیرد.»^۳

هم‌چنین می‌فرماید: «و علی الاسلام السلام إذ قد بلیت الاسلام براع مثل یزید.»
«اگر با یزید بیعت کنم باید از اسلام جدا گردم، زیرا اسلام به رهبری همچون یزید مبتلا شده، و من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می‌فرمود: خلافت بر آل سفیان حرام است.»^۴

۶. ظلم‌ستیزی و محرومیت‌زدائی

رویکرد تبلیغی، تمامی انبیاء و اولیاء الهی در مورد زشتی ظلم و ستم برخاسته از فطرت و آفرینش الهی انسان و از الهامات هدایت‌تکوینی می‌باشد. به همین دلیل همه انسان‌ها از تجاوز و تعدی دیگران ناراحت می‌گردند و در صورت تجاوز برای دفاع از خویش و مقدساتی که حیاتشان با آن گره‌خورده تا پای جان پیش می‌روند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار، ج ۳۱، ص ۳۰۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۱۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار، ج ۳۱، ص ۳۰۸.

۴. محمد مهدی اشتهاردی، سوگنامه آل محمد، ص ۱۶۶.

براین اساس در قرآن کریم^۱ و روایات نورانی اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم توجه خاصی شده و ظلم‌ستیزی سرلوحه کار تبلیغی و تربیتی انبیاء و اولیاء الهی معرفی گردیده است. از این رو رویکرد تبلیغی تمامی انبیاء و اولیاء الهی به طرفداری از پابرهنگان پاکدل و مستضعفان دردمند بوده است تا آنان را از سلطه زر و زورمداران از خدا بی‌خبر نجات دهند و زمینه عزت و شکوفایی استعدادهای این دسته از انسان‌های آزاده‌اندیش را فراهم سازند، به همین دلیل مبارزه با ظلم و طاغوت و عدم سازش با باطل از رویکردهای ثابت و پایدار مبلغان آزاده‌ای چون امام علیه‌السلام است که از اعتقاد به حاکمیت الهی نشأت می‌گیرد. امام علیه‌السلام کسی بود که از بردگی فکری و سیاسی مردم به دست مستکبران تاریخ رنج می‌برد و با سلاح سخن و عملکرد مدبرانه خویش زمینه نجات انسان‌های آزاده را از اسارت و مسخ فکر و اندیشه، فراهم نمود و بهای آن را با ایثار جان خویش و یاران باوفایش پرداخت نمود.

حضرت در این باره می‌فرماید: «لا اری الموت إلا سعادة و لا الحیوه مع الظالمین إلا برما»^۲.

۷. رضا و تسلیم

مقام رضا از والاترین مراتب بندگی در برابر ذات اقدس الهی است. این حالت معنوی علاوه بر این که به انسان صبر و اطمینان خاطر می‌دهد از علائم کمال ایمان شخص نیز به شمار آمده است.

نزدیکان امام علیه‌السلام چون از پیامدهای حرکت اعتراض‌آمیز حضرت اطلاع داشتند و شهادت آن حضرت و یارانش را پیش‌بینی می‌کردند از همان آغاز در صدد بودند تا مانع از انجام چنین عملی شوند. اما امام علیه‌السلام در جواب آنها ضمن این که از شهادت حتی جزئیات آن سخن به میان می‌آوردند می‌فرمود: «رضا الله رضانا اهل البيت»^۳. ایشان به بالاترین درجه رضا و تسلیم در برابر حق رسیده بودند. ایشان اظهار رضایت اراده خدا را در هر حال «چه پیروزی ظاهری و چه شهادت» خیری از جانب خدا می‌داند، و می‌فرماید:

۱. هود/۱۱.

۲. سیدابن طاوس، لهوف؛ ص ۳۴.

۳. محمدصادق نجمی، سخنان حسین ابن علی علیه‌السلام از مدینه تا کربلا، ص ۶۳.

«اما والله انی لا ارجو ان یکون خیراً ما اراد الله قتلنا ام ظفرنا»^۱
 «امیدوارم آنچه خدا برای ما خواسته است خیر باشد، چه کشته شویم چه پیروز»
 این روح تسلیم و رضای امام علیه السلام و یارانش در برابر پروردگار که در آن قطعه قطعه شدن و پایمال شدن پیکر پاکشان را می بینند، از یک شیوه و سبک در جهت بقای ارزش های الهی و نابودی بدعت های جاهلی اموی پرده برمی دارد که از یک تفکر ناب سرچشمه می گیرد و قابل تأسی و الگوگیری است.

۸. صبر و مقاومت

به گواهی قرآن کریم و شهادت تاریخ، صبر و شکیبایی در برابر ناملائمات، ناگواری ها و دشواری ها از ویژگی های بارز انبیاء و اولیاء خداوند و بسیار مؤثر در تحقق اهداف الهی است.

امام حسین علیه السلام به تأسی از انبیاء بزرگ الهی در شرایطی صبر پیشه می کند که عقل از تصوّر آن عاجز است. حتی صبر و شکیبایی هیچ یک از انبیاء الهی به پایه صبر امام حسین علیه السلام نمی رسد زیرا سختی های هیچ کدام از آنها در سطح شرایط ناگوار آن حضرت نبوده و آلام و مصائب احدی نیز به میزان مشکلات و مصائب ایشان نرسیده است. آه و ناله زن و فرزند، فقدان آب و صدای العطش اطفال، کشته شدن یاران و اصحاب، شهادت جوانان بنی هاشم، سوزش زخم ها، گرسنگی و تشنگی، درد وداع، تجسم اسارت اهل بیت و ده ها حوادث ناگوار و غمبار دیگر.

حمیدبن مسلم (از شاهدان کربلاء) چنین نقل می کند:

«به خدا سوگند من ندیدم کسی را جز حسین بن علی که دشمن از هر طرف او را احاطه کرده باشد و فرزندان و خویشان و اصحابش کشته گردند ولی او مانند کوهی محکم و استوار بدون اظهار عجز و زبونی با قلب قوی و متانت تمام بر صفوف دشمن حمله نماید و آنان را مانند ملخ در بیابان پراکنده کند»^۲

مرحوم علامه شیخ جعفر شوشتری (رضوان الله تعالی علیه) چنین می فرماید:
 «سیدالشهداء: امام مظلوم، حسین بن علی در روز عاشورا در زمین غم خیز کربلاء هفت بار استغاثه نمود که هر یک از آن استغاثه ها منشاء تحریک خاص و اثر خاص و انقلاب خاصی نه تنها در روحیه افراد بلکه در همه موجودات بوده و ارکان عالم را متأثر ساخته

۱. همان، ص ۱۵۹.

۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴.

و^۱ متزلزل می‌نماید.»

۹. صراحت در بیان «بلاغ مبین»

صراحت در بیان و بی‌پرده سخن گفتن، به گونه‌ای که طرف مقابل در نهایت سهولت و سادگی در مقام درک و فهم مطلب برآید از دیگر روش‌های تبلیغی امام علیه السلام در جریان نهضت الهی او می‌باشد. چرا که ایشان معتقد بودند از زبان پیامبر سخن می‌گویند و مانند او حرکت می‌کنند همان‌گونه که پیامبر مأمور به «بلاغ مبین» بودند^۲ حضرت نیز باید به این اصل توجه می‌داشتند و به آن عمل می‌کردند تا از این طریق پرده از هرگونه ابهام و نارسایی در ابلاغ پیام برداشته شود و حقیقت امر الهی بر همگان روشن گردد.

براین اساس امام علیه السلام تنها پیچیده و در لفافه سخن نمی‌گفتند بلکه با مخاطبانشان به روشنی و کاملاً بی‌پرده حرف می‌زدند و از هرگونه گوشه و کنایه پرهیز می‌کردند. خطبه‌ها و نامه‌های فراوانی که امام علیه السلام در مسیر حرکت، از مدینه تا شهادت ایراد فرموده‌اند و نگاشته‌اند شواهد روشنی بر این مدعا است. مانند وصیتنامه تاریخی امام به برادرش محمد حنیفه،^۳ نامه امام به بنی‌هاشم مدینه هنگام حرکت به سوی کوفه^۴، نامه امام علیه السلام به بزرگان بصره^۵ و کوفه، خطبه امام علیه السلام در روز عاشورا^۶ به عنوان اتمام حجت و ...

۱۰. مساوات

یکی از خصوصیات بارز سبک تبلیغی پیامبران الهی که شاید در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود بیشتری داشته باشد؛ اصل عدم تفاوت در تبلیغ میان مردم است. در دوران جاهلیت فاصله طبقاتی عجیبی بر جامعه حاکم بود. گویی حتی فقرا انسان نبودند تا چه رسد به غلامان و بردگان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رأس رسالت خویش اصل برابری و برادری را در

۱. شیخ جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ص ۱۸۹.

۲. آل عمران/ ۲۰؛ نساء/ ۶۳؛ مائده/ ۶۷ و ۹۲ و ۹۹؛ انعام/ ۱۴۹؛ اعراف/ ۶۲ و ۶۸.

۳. محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۳۷ و ۳۸.

۴. محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۷۷.

۵. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶.

۶. عبدالرزاق موسوی مقرم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۲۷۵.

تمامی جنبه‌های اجتماعی و حکومتی پایه‌ریزی نمودند^۱ به طوری که مؤذن ویژه‌اش را یک سپاه‌پوست به نام «بلال» قرار دادند و در خطبه حجة‌الوداع که شامل نکات تربیتی است این مسئله را برای همیشه ضبط و ثبت نمودند: «ایها الناس... ان اکرمکم عندالله اتقیکم و لیس لعربی علی عجمی فضل، إلا بالتقوی»^۲ «ای مردم، گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، عرب را بر عجم برتری نیست جز باتقوا»

حضرت سیدالشهداء (ع) نیز در نهضت عاشورا تبعیض ستیزی و قومیت‌زدایی را به عنوان یک اصل مهم در عمل به نمایش می‌گذارند، وجود سربازان ترک، فارس، عرب و سفید و سیاه و... در عرصه کربلا و در قاموس عاشورا بیان‌گر این معنا است.

نکته ارزشی و اوج درخشش این اصل و روش در عدم فرق نهادن بین فرزند دلبندش و غلام سپاهش است که بر بالین هر دو حاضر می‌شود. این حرکت عاطفی، جایگاه والای عنصر برابری و مساوات در نهضت عاشورا را بین تمامی اعضای نهضت به نمایش می‌گذارد و نمونه کاملی از نفی قومیت را معرفی می‌کند.

تاکتیک‌های تبلیغی امام (ع)

تاکتیک^۳ در لغت به معنای «راهکار»^۴؛ «فوت و فنِ کار، تدبیر حرب»^۵؛ «شیوه یا روش انجام کار را گویند»^۶.

در اصطلاح «به معنای روی آوردن به شکل‌های بدیع در روند اصطلاحات است»^۷؛ «تدبیر مناسب برای رسیدن به مقصود علم یا فنِ دست یافتن به هدف‌های تعیین شده، به وسیله استراتژی را گویند»^۸.

«تبلیغ» از ریشه «بلوغ»^۹ به معنای رساندن کامل پیام، خبر، اندیشه و سخن به

۱. شعراء/ ۱۱۴؛ انعام/ ۵۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۰.

۳. taktik.

۴. غلامحسین صدری افشار، نسرین و نسترن حکمی، فرهنگ معاصر فارسی، ص ۳۴۰.

۵. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۰۱۱.

۶. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۵۸۲.

۷. دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۱۲۲.

۸. غلامحسین صدری افشار، نسرین و نسترن حکمی، فرهنگ معاصر فارسی، ص ۳۴۰.

۹. بلوغ و بلاغ به معنای رسیدن به دورترین و پایانی‌ترین نقطه مقصد است، مکانی باشد یا زمانی و یا یکی از اموری که دارای نقطه و پایان است و گاه از آن برای نزدیک شدن به هدف نیز استفاده می‌شود، اگر چه به آن نرسد. حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۴۴.

دیگری است و «مبلّغ» کسی است که با همه توان تلاش می‌کند تا مواد تبلیغی همراه خود را به مقصد نهایی - که اندیشه مخاطب است - برساند. براساس شواهد و مستندات تاریخی، جنگ اصلی امام علیه السلام با جبهه مقابل، جنگ نظامی نبود. بلکه یک جنگ تبلیغی، عاطفی و ایدئولوژیکی بوده است. به همین جهت امام علیه السلام برای پیروزی در چنین جنگ سرنوشت‌سازی که حیات اسلام به آن بسته بوده، برای اداره وضع موجود و وضعیت‌های قابل پیش‌بینی بر اساس مدیریت الهی خویش، در موقعیت‌های مختلف تغییر رویکرد داده و اقدامات خاصی می‌نماید که در پیش‌برد اهداف الهی نهضت و تحقق رسالت آن، عمده‌ترین نقش‌ها را ایفا می‌نماید. در حال حاضر از چنین تغییر رویکردهایی با عنوان تاکتیک‌های امام علیه السلام یاد می‌شود. نگارنده با توجه به ظرفیت مقاله مزبور به بخشی از آنها می‌پردازد.

۱. هجرت

مهاجرت یک قانون طبیعی کلی است که در میان تمامی موجودات زنده برای حفظ موجودیت و ادامه حیات برقرار است. وجود چنین مسئله‌ای، در فرهنگ اسلامی نشان‌گر جریانی پویا، ستم‌ناپذیر و پی‌گیر اهداف الهی در زندگی است. از این رو، در قرآن کریم بیش از ۲۵ بار تعبیری از قبیل «هاجرُوا»، «مهاجر» و «مهاجرین» به کار رفته که چهار بار از هجرت در راه خدا به عنوان فضیلت یاد شده است.^۱

نهضت سرنوشت‌ساز امام علیه السلام با نخستین حرکت تاکتیکی مثبت و سازنده یعنی: «هجرت» در راه خدا که با قرائت آیه **﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...﴾**^۲ آغاز شد. ایشان به بیان سرگذشت هجرت حضرت موسی علیه السلام در پی تهدید فرعونیان به مدین، شهر امن شعیب پیامبر علیه السلام می‌پردازد و هم‌گونی حرکت خود با کودک نیل را به همگان اعلام می‌نماید. ضمناً گوشزد می‌کند که حرکت تاریخی او ادامه راه انبیا، استمرار مأموریت الهی، هجرت برای خدمت به دین خدا و هدایت بندگان است.

براساس تعبیر استاد شهید مطهری تصمیم امام علیه السلام به مهاجرت، آن هم مهاجرت ناگهانی و همراه با اهل بیت علیهم السلام و در روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه)، «تکان‌دهنده بوده و ارزش تبلیغاتی داشته است و ندای امام را بهتر به مسلمانان می‌رساند، و چون این حرکت، حرکتی اعتراض‌آمیز در جهت خلافت حکومت وقت بود، توجه انکار عمومی به‌ویژه

۱. انفال/۷۵-۷۲؛ آل عمران/۹۵؛ حج/۵۸؛ بقره/۱۸۲؛ توبه/۲۰؛ نحل/۴۱ و ...

۲. قصص/۲۱.

ناراضیان را به منفعت خود جلب کرده و حمایت مردمی گسترده‌تری را به دنبال داشت.^۱

۲. مکه و ظرفیت بالای رسانه‌های آن

حرکت تاریخی امام حسین (ع) به مکه در سال ۶۰ هجری در پی اعلام خودداری از بیعت با یزید و استقرار چهار ماهه ایشان در این شهر، با مقایسه این برهه از زمان با دوران قیام مبارک حسینی - که دوران کوتاهی نیست - به نوبه خود منشأ پرسش‌هایی خواهد بود؛ نخست اینکه چرا امام حسین (ع) از میان همه شهرها مکه مکرمه را برای هجرت برگزید؟ آیا بر سر این بود که پایگاهی برای گسترش انقلاب علیه امویان شکل بدهد؟ یا اینکه می‌خواست از ظرفیت بالای رسانه‌ای حج در آن ایام بهره گرفته و ندای قیام را به همه جهانیان برساند و اهدافش را بشناساند؟

با کمال تأسف و وجود چنین پایگاه مردمی قابل توجه، برای هیچ کدام از ائمه (ع) ممکن نبود، زیرا جنگ‌های صدر اسلام قلب تیره‌های گوناگون قبایل قریش را از کینه حضرت علی (ع) و خاندان پاکش مملو ساخته بود. امام علی بن الحسین (ع) از این حقیقت پرده برداشته و چنین می‌فرماید: «در مکه و مدینه بیست تن دوست‌دار نداشتیم».^۲

به همین علت هدف امام حسین (ع) از رفتن به مکه و انتخاب آن برای سپری کردن بلندترین مقطع نهضت مقدّسش (۱۲۵ روز) در واقع، مردم این دیار نبود، بلکه مقصود از اخذ چنین تاکتیکی، ایجاد ارتباط با گروه‌های گوناگون و مختلف حج‌گزاری بوده که از جای‌جای جهان اسلام در آن ایام به این شهر گسیل شده بودند؛ ضمناً در میان آنان فراوان شخصیت‌های بزرگ بوده که بسیار بعید به نظر می‌رسد به طور مکرر و برای مدت طولانی با امامی که الگوی دینی و معنوی امت اسلام به شمار می‌رفت، دیدار نکرده باشند و ملاقاتی نداشته باشند. بهره‌گیری امام حسین (ع) از ظرفیت این رسانه در قالب ارتباطات، دیدارها، گفت‌وگوها، مکاتبه‌ها، سخنرانی‌ها و... صرفاً جهت روشن‌گری افکار عمومی نسبت به حقایق هم‌چون امامت و رهبری جهان اسلام و عدم تحریف آنها در آینده بوده است.

۳. پرهیز از قتل کور و هدر رفتن خون

امام حسین (ع) به خوبی می‌دانست که با قدرت یابی مطلق شخصیتی هم‌چون یزید،

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۳۹.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۳.

کسی را یارای کوچک‌ترین اقدام و مخالفت با حکومت وقت نیست. زیرا حامل‌های اصلی و مهم نیرو از قبیل اقتصاد، قدرت نظامی و دستگاه‌های وسیع تبلیغاتی (منبر و محراب) همگی در اختیار و استخدام پسر معاویه قرار دارد. همچنین ایشان کاملاً آگاه بود که ماندن در مدینه منوره می‌تواند آبستن عواقب وخیمی - از اسارت و شهادت کور گرفته تا شکسته شدن حرمت حرم نبوی - باشد^۱، همچنین بر امام حسین علیه السلام مخفی و پنهان نبود که ماندن بیش از این در مکه مکرمه صلاح نیست، چون پس از آنکه تلاش‌های حکومت بنی‌امیه برای دست‌گیری و یا قتل امام حسین علیه السلام در مدینه منوره ناکام ماند، تصمیم بر آن شد که تدابیر لازم برای دست‌گیری یا قتل ناگهانی (ترور) ایشان در مکه مکرمه اندیشیده شود^۲. قدر مسلم، در صورت عملیاتی شدن چنین نقشه‌ای ضمن اینکه سبب هدر رفتن و پای‌مال گشتن خون امام علیه السلام می‌گردید، حرمت حرم امن الهی نیز از بین می‌رفت.

امام حسین علیه السلام در چنین شرایطی از کجا و چگونه باید دست به کار می‌شد با حفظ موجودیت اسلام و قرآن، شالوده حکومت بنی‌امیه را نیز در هم می‌شکست و اساس ظلم، بیدادگری و استبداد آنها را فرو می‌ریخت؟

خوشبختانه نقشه شگرف و طرح آسمانی نهضت، از سوی خلیفه بر حق الهی، طراحی شد. از این رو، امام علیه السلام طبق نقشه و برنامه‌های زمان‌بندی شده با پیمودن مسافت نسبتاً طولانی (حدود ۱۴۰۰ کیلومتر) و بهره‌گیری از فرصت‌های مسیر حرکت، در فضایی مناسب و آماده که پرده از چهره زشت و شیطانی نظام حاکم بر می‌داشت و افشای توطئه‌های علیه اسلام و قرآن را دنبال می‌کرد، در حضور هزاران نفر در روز روشن ناجوان‌مردانه به شهادت رسید و با خون سرخش اسلام و قرآن را از حوادث روزگار بیمه نمود.

۴. همراهی اهل بیت علیهم السلام (خویشاوندان)

یکی از تاکتیک‌هایی که موج دوم حرکت امام علیه السلام را از مدینه تا شهادت شکل می‌دهد، همراهی فرزندان و بستگان نزدیک امام علیه السلام می‌باشد. با اینکه طبق معمول

۱. محمد مهدی اشتهاردی، سوگنامه آل محمد علیهم السلام، ص ۱۶۳.

۲. سیدبن طاووس، لهوف، ترجمه مهدی رضائی، ص ۷۵.

۳. امواج حرکت امام حسین علیه السلام عبارت است از: موج اول، صحنه‌های عاطفی و تبلیغی در روز عاشورا، موج دوم، اسارت خاندان پیامبر علیهم السلام، موج سوم نیز عزاداری، گریه و نوحه‌سرایی است. آیت‌الله حسین مظاهری، چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۷۲.

رهبران قیام و مبارزه علیه حاکمان خودکامه در مهاجرت‌های اعتراض‌آمیز سیاسی، برای آزادی عمل بیش‌تر و پرهیز از خطرات احتمالی، به‌ویژه از جهت حیثیتی، از همراه بردن زنان و کودکان جداً خودداری و در ایام مبارزه، خود را از قید و بند زن و فرزندان رها می‌نمایند. اما امام (ع) دقیقاً در این مبارزه ۱۶۳ روزه با یزید، برعکس روش معمول عمل می‌کنند، چرا که همراهی اهل‌بیت (ع) با آن امام در قالب یک حرکت اعتراضی، تاکتیکی نو و منحصر به فرد بوده که با سیاست و حکمت الهی امام (ع) برای به نتیجه رسیدن نهضت و تحقق اهداف مقدسش طرح‌ریزی شده که منجر به گام‌های بلند و ماندگاری در عرصه تبلیغ دین خدا می‌گردد، از قبیل:

الف. افشاگری جنایات

امام (ع) با این کار در واقع نیروهای دل‌سوز، فعال و آگاه را به کار گرفته است تا مرحله دوم نهضت، یعنی «اسارت اهل‌بیت (ع)»، محقق شود، که اگر امام (ع) با سیاست و حکمت الهی خود برای این مرحله از نهضت، برنامه‌ریزی نمی‌کرد، بدون تردید نهضت آن حضرت از مرحله شهادت پا فراتر نمی‌گذاشت و عملاً با شکست روبه‌رو می‌شد و خون شهدای کربلا به هدر می‌رفت. چنانکه مرحوم جلال‌الدین همایی می‌نویسد: «بنده این امر را از معجزات اسلامی می‌دانم که از یزید آن رفتار شوم در مورد حضرت امام حسین (ع) و یاران جانباز و بعد از آن در مورد اسیری بازماندگان و زن و فرزند بی‌گناه ایشان سرزده باشد، تا پرده از روی اعمال ننگین وی برداشته شود و چهره واقعی بنی‌امیه به قاطبه مسلمانان نموده شود و دست آخر اسلام از دست رفته دوباره احیا شود، و فرهنگ حکومت بنی‌امیه از دامن اسلام پاک گردد.»^۱

ب. معرفی نهضت حسینی

شهید مطهری (ع) می‌نویسد: «می‌گویند چرا زن و بچه ات را همراه می‌بری؟ می‌گویند آنها را هم باید ببرم، بودن اهل‌بیت امام حسین (ع) در صحنه، کربلا را بسیار بسیار داغ‌تر کرد در واقع امام حسین (ع) یک مبلغ را طوری استخدام کرد که بعد از شهادتش آنها را با دست و نیروی دشمن تا قلب حکومت دشمن یعنی شام فرستاد. این خودش یک تاکتیک عجیب و کار فوق‌العاده است و همه برای این است که این صدا هر چه بیش‌تر به عالم برسد، بیش‌تر به جهان آن روز اسلام برسد و بیش‌تر ابعاد تاریخ و ابعاد زمان را بشکافد و هیچ مانعی در راه آن وجود نداشته باشد.»^۲

۱. جلال‌الدین همایی، اسرار و آثار واقعه کربلا، ص ۴۵ و ۴۴.

۲. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۷۲؛ جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به خطبه‌های امام سجاد (ع)،

ج. تأمین امنیت اهل بیت علیهم السلام

تاریخ پرفراز و نشیب اسلام چنین گواهی می‌دهد، یکی از حربه‌های کارساز دشمن نسبت به سران نهضت‌های توحیدی در کنترل و مهار آنها به منظور تسلیم و به زانو در آوردن عاملین اصلی این دسته از جریانات، دستگیری و شکنجه خانواده‌های مجاهدین نستوه اسلام بوده است. دستگیری آمنه همسر عمرو بن حَمِق خزاعی به وسیله ابن زیاد و سرگردان نمودن ایشان در بیابان‌های مسیر کوفه و شام، همچنین دستگیری همسر مختار به هنگام فرار از زندان کوفه برای وادار نمودن آن مبارز خستگی‌ناپذیر به تسلیم در برابر امویان، بهترین گواه و سند تاریخی بر نبود امنیت جانی در مدینه و مکه می‌باشد. امام حسین علیه السلام به خوبی می‌دانست بعد از قتل عام مردان، اگر زنان و نسل علوی و سادات حسینی همراه نباشند و در مدینه بمانند، همچون موارد مشابه، به جرم سرپیچی مردان‌شان قتل عام شده و برای همیشه از بین می‌رفتند. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «اینان امانت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند، من از هیچ‌کس بر آنان ایمن نیستم.»^۱

۵. انتصار

نکته جالب توجه در مسیر حرکت امام علیه السلام از مدینه تا شهادت، مسئله انتصار و طلب یاری امام علیه السلام است. ایشان در هر فرصتی از مردم درخواست کمک می‌کردند. این عمل امام علیه السلام حکایت از آن دارد که برای تحقق آرمان‌های دینی و برقراری معروف و نابودی منکر باید به بسترسازی همت گماشت. اخذ چنین روشی در مسیر تبلیغ، افزون بر حکم عقل، متکی به آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، چرا که خداوند در قرآن چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ^۲»؛ «ویژگی‌های مؤمنان راستین این است که هرگاه ستمی به آنها رسد (تسلیم ظلم نمی‌شوند) و از دیگران طلب یاری می‌کنند.»

این آیه، مسلمانان را به ایستادگی و عدم تسلیم در برابر ستمگران و یاری گرفتن از مردم برای کوبیدن ظلم و نابود کردن فساد، دعوت می‌کند و به یکی از ابعاد دو قانون

حضرت زینب علیها السلام، ام کلثوم علیها السلام و... در کتاب پیام‌آوران کربلا با قلم و ترجمه ابراهیم آملی.

۱. سید هاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۴۵۴.

۲. شوری/۳۹.

بزرگ الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند.^۱ این شیوه از عمل به عنوان «انتصار» یعنی یاری طلبیدن از یکدیگر برای احقاق حق و نابودی باطل در اسلام مطرح می‌باشد.

۶. پایبندی به عنصر امر به معروف و نهی از منکر

یکی از تاکتیک‌های تبلیغی امام (ع) که ریشه در سبک و روش تبلیغی خداوند در قرآن دارد،^۲ تاکتیک امر به معروف و نهی از منکر است. این شیوه چون متشکل از عناصر و مؤلفه‌های سازنده‌ای مانند دعوت به خیر، توأسی به حق، تبلیغ، موعظه، نصیحت، تذکر، تیشیر و انذار می‌باشد، اثرگذار و ماندگار خواهد بود. بی‌تردید همه پیامبران، خصوصاً پیامبر اکرم (ص)، امامان و مصلحان صالح و حتی صحابه و تابعان پیامبر هر یک با توجه به شرایط زمان و مکان و امکانات موجود در این مسیر گام برداشته و نسبت به آن همت گماشته‌اند، زیرا دو اصل امر به معروف و نهی از منکر پس از اعتقاد به اصول چندگانه (توحید، معاد، نبوت، امامت و عدالت) برترین امتیاز جامعه اسلامی و مهم‌ترین زیرساخت نظام عادلانه و مردم‌سالار دینی قلمداد می‌گردد که عزت و سربلندی جامعه مسلمین را پشتیبانی می‌نماید و به آن ضمانت می‌بخشد. از این رو، مسلمانان صدر اسلام براساس آموزه‌های دینی در همه لایه‌های اجتماعی نسبت به اجرای این دو فریضه اصرار داشته و کاملاً پایبند بودند، تا جایی که نظارت بر عملکرد دیگران - حتی زمامداران - را حق و تکلیف شرعی خویش می‌دانستند ناگفته نماند در زمان خلافت عثمان به دلایلی این دو قانون حیات‌بخش اسلام کمرنگ گردید، لذا شورش و انقلاب مردم علیه او، دلیلی بر این ادعا و نتیجه بی‌توجهی خلیفه سوم به این فریضه الهی است.

با به خلافت رسیدن امام علی (ع)، این آسیب اجتماعی رو به بهبودی نهاد، اما متأسفانه عمر درازی نداشت، چون با به قدرت رسیدن امویان و آغاز عصر خفقان، به امران به معروف و ناهیان از منکر و افراد پایبند به آن، نظیر، حجر بن عدی، رشید حجری، عمار، یاسر و... از سوی کارگزاران حکومت وقت، بی‌مهتری فراوانی رفت و سرسختانه با آنها برخورد شد. با روی کار آمدن یزید به‌عنوان بزرگترین منکر اجتماعی، با فراموشاندن این دو اصل مترقی و سازنده اسلام، اصول ارزشی آن نیز به کلی نادیده گرفته شد و جامعه اسلام، هم‌آغوش مرگ معنوی شد.

۱. محمد بن احمد بن اصراری قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۵-۱۶، ص ۳۸؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ذیل همین آیه.

۲. نحل / ۹۰.

در چنین شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، خورشید حق تابیدن گرفت، امام حسین علیه السلام از باب وظیفه و احساس تکلیف به پا خواست و برخورد سرسختانه‌ای را با منکران درجه یک اجتماعی آغاز نمود^۱ و با درهم شکستن هر نوع سکوت و مسامحه‌ای که شرعاً روا نبود، جامعه اسلامی را از خطر نابودی قطعی رهایی بخشیده و گام‌های بلند و آشکاری را در جهت اعلام عدم مشروعیت حکومت معاویه و بی‌کفایتی این خاندان نسبت به مسئله زمامداری جهان اسلام برداشت.

اقدامات امام حسین علیه السلام، برای تحقق اهداف دین در قالب امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک تاکتیک تبلیغی کارآمد به شکلی که اصلاً در اسلام سابقه نداشته، ظهور پیدا می‌کند^۲ و از میزان پایداری آن حضرت به این اصول پرده برمی‌دارد. به اعتقاد امام حسین علیه السلام هرگونه تعلل و مسامحه در این زمینه اگرچه سبب زنده ماندن جسم‌ها می‌گردد، اما در برابر، حقایق را نابود و وجدان‌ها را پایمال، و در نهایت محکومیت عقل و خرد را در طول تاریخ به دنبال دارد که در این صورت حتی نامی از اسلام باقی نخواهد ماند.

۷. وصیت

در فرهنگ اسلامی نوع دیگری از وصیت (افزون بر وصیت تملیکی و عهدی) نیز رایج است که همان وصایای اخلاقی، فرهنگی و سیاسی است. در قرآن کریم و منابع روایی اگرچه وصیت امری مستحب و پسندیده^۳ است، اما گاهی تا سرحد وجوب فرو می‌رود، چرا که گاه ممکن است موقعیت اجتماعی و سیاسی شخص در جامعه به حدی برسد که در اثر بی‌توجهی او نسبت به مسئله وصیت، نظام اسلامی را در خطر افکند و در این‌گونه موارد، اهمیت و ضرورت وصیت، تبلور عینی پیدا می‌کند. چرا که چنین حرکتی (موضع‌گیری صریح نوشتاری یا گفتاری که بهتر از هر سند دیگری از منویات او پرده برداشته و به نوعی بیانگر عصاره اندیشه، و آرمان و آرزوهای فردی

۱. مخالفت صریح و شدید امام حسین علیه السلام با ولایت‌عهدی و خلافت یزید «و علی الإسلام السلام إذ قد بلیت الاسلام بسراع مثل یزید...» محمدمهدی اشتهاردی، سوگنامه آل محمد علیهم السلام، ص ۱۶۶.

۲- اعتراض‌های شدید امام حسین علیه السلام در قالب سخنرانی‌ها و نامه‌های روشن‌گرانه، در قبال اقدامات ضد اسلامی و ضد دینی خلیفه وقت و برملا کردن چهره شیطانی آنها در شهرهای بزرگی مثل: مدینه، مکه، بصره و کوفه.

۳. و آن عبارت است از: هزینه کردن تمامی دارایی خویش از قبیل فرزندان، برادران، برادرزاده‌ها، عموزاده‌ها، مخلص‌ترین و باوفاترین یاران، به همراه مشکلات فراوان و پذیرش اسارت اهل بیت علیهم السلام پس از شهادت و بالاخره اهدای جان گرامیش در کسب رضایت الهی.

۳. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، کتاب الوصایا، باب ۱، ص ۳۲۵؛ شیخ بهائی، جامع عباسی، ص ۳۸۲.

و اجتماعی او در زندگی است) همچون بمبی خبری در بین سطوح فکری مختلف جامعه به صدا درآمده و به شدت تکان‌دهنده است. سیدالشهداء علیه السلام در شرایطی این وصیت‌نامه الهی - سیاسی را که مرام‌نامه عاشوراییان به شمار می‌آید، می‌نویسد که آن حضرت افزون بر علم امامت، مقام نبوت و اخبار شهادت، با تهدید به قتل هیئت حاکمه آن روز روبه‌رو بوده و امیدی به زنده ماندن نداشت. قطعاً امام علیه السلام با آن بینش سیاسی و بصیرت دینی و اشراف که بر امور جاری داشت، می‌دانست که واپسین ایام زندگی خویش را سپری می‌کند، پس به حکم عقل و شرع باید آخرین سخنان و برترین تجربه‌ها و مهمترین هدف‌های اجتماعی - سیاسی خود را در زیباترین و کوتاه‌ترین و گویاترین الفاظ در اختیار آیندگان قرار دهند و پیام جهانی و جاودانه نهضت الهی خود را به همه مسلمانان اعلام نمایند.

توجه به چنین تاکتیکی به حق، معجزه‌ای تاریخی و بیانی‌های دفاعی به شمار می‌آید، چرا که در واقع طی یک مقدمه، و متن و خاتمه، بنیان و نظام نهضت خویش و اهداف و مسیر انقلاب مقدس عاشورا را تبیین می‌فرماید.

۸. شهادت‌طلبی و ایجاد صحنه‌های عاطفی

ایشان و فداکاری درک متعالی از فلسفه حیات است که مستلزم داشتن روحیه‌ای فارغ از دنیا و متعلقات آن می‌باشد، لذا بذل مال، جان و تمامی داشته‌ها بدون هیچ‌گونه مضایقه‌ای در مسیر حق را در بر می‌گیرد.

امام علیه السلام، در صحنه عاشورا، برای اثبات مظلومیت، افشاگری حکومت نامشروع یزید و رفتار ناشایست غیراسلامی حاکمان وقت همچون سایر پیام‌آوران الهی و مصلحان آسمانی با درایت و آگاهی کامل، متوسل به تاکتیک فداکاری و جانبازی می‌شود که مولد یک حرکت تاریخی بوده، چرا که با این شیوه بذری بیداری «وجدان عمومی» و تحریک احساسات و عواطف پاک انسانی را برای اثبات حقانیت و مظلومیت خود در دل افکار عمومی می‌پاشد و منجر به قیام‌ها و انقلاباتی پس از شهادت‌شان می‌شوند که همواره مبارزان مسلمان با شعار خون‌خواهی او و غیر مسلمانان برای رهایی از ظلم و بی‌عدالتی ستمگران در طول تاریخ شکل می‌دهند.

شهید مطهری رحمته الله علیه چنین می‌نویسد: «دعوت امام به یاری در شب و روز عاشورا و سردادن «هل من ناصر ینصرنی» او برای نجات خود و یارانش از مرگ و شهادت نبوده، بلکه برای ریخته شدن خون زیاد و بُرد بیشتر پیام انقلاب خونین او، به عصر خود

و اعصار بعدی است»^۱ به تعبیری هدف از این عمل این بود که «خون شهید بیشتر ریخته شود و این ندا بیشتر به جهان و جهانیان برسد.»^۲

امام علیه السلام، با این شیوه در صدد خونین کردن و رنگین نمودن صحنه است، او با این رنگ آمیزی - رنگی که از نظر تاریخی ثابت ترین رنگها است - به دنبال برپایی موجهای مثبت و صحنه‌های عجیبی است که گویی عملاً آنها را ایجاد نموده تا مطلب بیشتر نمایان گردد و بهتر نمایش داده شود. برای نمونه، از آن صحنه‌های عجیب و تکان‌دهنده صحرای کربلا شیوه به شهادت رسیدن حضرت علی اصغر است که حضرت مشتی از خون را به سوی آسمان می‌فرستد و می‌فرماید: ای آسمان ببین و شاهد باش!

۹. اتمام حجت

در قرآن کریم، از بینه داشتن انبیا به ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بسیار سخن به میان آمده^۳، ذکر این گونه آیات و نشانه‌های الهی از سوی پیام‌آوران آسمانی که منجر به شناسایی راه از چاه و حق از باطل می‌شده، در واقع نسبت به اهل ایمان و کفر نوعی اتمام حجت است، تا ایمان و هلاکتشان کاملاً از روی دلیل و بینه باشد.

پذیرش دعوت کوفیان و حرکت امام علیه السلام به سوی عراق نیز برگی دیگر از اتمام حجت است که از علم و آگاهی، تدبیر و دوراندیشی و جامع‌نگری امام علیه السلام پرده برمی‌دارد، زیرا چنانچه امام علیه السلام توجهی به این درخواستها نمی‌کرد، ضمن اینکه متهم به شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت امامت امت می‌گشتند، از سویی نیز بهانه بر کفر، طغیان و گمراهی آنان فراهم می‌شد. بر این اساس وقتی ابن عباس و دیگر دوستان و بستگان امام علیه السلام او را از رفتن به کوفه و سابقه بی‌وفایی آنها بر حذر داشتند، در پاسخ چنین می‌فرماید: «اینها نامه و پیامهای آنهاست، دیگر حرکت من برای مبارزه دشمنان خدا واجب شده است.»^۴

اخذ چنین تاکتیکی از ناحیه امام علیه السلام که با تشریح اهداف خود از آمدن به کوفه به استناد به درخواست کوفیان و معرفی خویشان همراه بوده^۵، سندی در رد هر گونه عذر

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۵-۲۷۴.

۳. انفال/۴۳.

۴. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۷ و ۸.

۵. عبدالرزاق موسوی مفرم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۲۷۵؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۷.

۱۹. ابن اثیر، الکامل، بیروت.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت «لبنان» مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۲. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۴ ش.
۲۳. خامنه‌ای، سید علی، امانتداران عاشورا و درس‌ها و عبرت‌های کربلا، قدر ولایت، ۱۳۸۵.
۲۴. همایی، جلال‌الدین، اسرار و آثار واقعه کربلا، چاپ دوم، تهران، دهخدا، ۱۳۵۷.
۲۵. آیتی، محمدابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، با مقدمه علی‌اکبر غفاری، تهران، کتابخانه صدوق، مهر ۱۳۴۴ ش.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان، ذوالقربی، تا ۱۳۸۴ ش.
۲۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ ش.
۲۹. صدری افشار، غلام‌حسین، فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. انصاری قرطبی، محمدبن احمد، تفسیر قرطبی، ناصر خسرو، بی تا.
۳۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، فراهانی، بی تا.
۳۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، نشر سازمان انتشارات جاوید، چاپ بیستم، ۱۳۶۶ ش.
۳۳. لوطین یحیی، ابومخنف، مؤسسه النشر الاسلامیه، قم، ۱۳۶۷ ش.
۳۴. مشکینی، حاج‌میرزا علی، مواظب العددیه، الهادی، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۳۵. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بی تا.
۳۶. شیخ صدوق، امالی، ترجمه: آیه... کمرهای، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۳۷. نراقی، ملامهدی، جامع السادات، ترجمه کریم فیضی، قائم آل محمد علیهم‌السلام، بی تا.
۳۸. فیض کاشانی، ملاحسن، الحقایق، به تحقیق حاج محسن عقیل، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش.